

بررسی زندگی وزمانه پرافتخارترین بانوی معمار، زَها حدید

داستان سرخوشی یک معماری زنانه



بهرام هوشیاربیوسفی

داستان زها محمد حدید معمار فقید عراقی الاصل، به اعتباری مشهورترین بانوی معمار معاصر، از تلاش‌های حاج حسین پدربزرگش در کوران حوادث جنگ جهانی اول در موصل تا تجارب منحصربه‌فرد پدرش محمد در سرآغاز تأسیس عراق امروزی و نهایتاً مسیر پیشرفت دختری تنها در دنیای آناشنا و مردسالار معماری غرب، داستان الهام‌بخش زنی است که «پس ابری از ابهامات با آدم‌ها صحبت می‌کند، یکی از همان اندک زنانی است که جبر زمانه بر آنها کارگر نبوده و نتوانسته جلوی پیشرفت آنها را بگیرد. داستان موفقیت اعجاب‌انگیز معماری که بسیار حرفه‌ای بود اما خیلی خیلی کم می‌ساخت… زنی با خلاقیتی وسیع، اندکی سربه‌هوا، گاهی خوش‌خنده ولی بیشتر خشک…».
رولان بارت نویسنده، فیلسوف، نظریه‌پرداز ادبی، منتقد فرهنگی و نشانه‌شناس معروف قرن بیستم فرانسه در «لذت متن» به بررسی دو مفهوم «لذت» و «سرخوشی» می‌پردازد و می‌گوید: «اگر بخواهم متنی را با سنجه لذت ارزیابی کنم دیگر نمی‌توانم بگویم این متن خوب است و آن متن بد. دیگر نه احترامی است و نه انتقادی؛ تشویق و توبیخ همواره پیرو اهداف راهکاری، استفاده‌های اجتماعی و اغلب یک خیال‌خانه یا ایمان‌ستان فروکاهنده‌اند. من نمی‌توانم خوب و بد بسازم؛ متنی را تصور کنید که کمال‌پذیر است و آماده ورود به بازی گزاره‌های هنجارگزار؛ متن ما بیش از اندازه چنین است و قدر کفایت چنان نیست…! جلای متن (که بی آن، روی هم رفته، هیچ متنی وجود نخواهد داشت) سرخوشی خواشش آن است: درست آنجا که متن از خواسته در می‌گذرد، از غان و غوغ فراتر می‌رود، از این رهگذر می‌کوشد که طغیان کند، در سد صفت‌ها رخنه کند، صفت‌هایی که درهای زبان‌اند، همان درها که ایدئولوژی‌ها و خیال‌پروری‌ها از آنجا در درون زبان سرازیر می‌شوند…».
ساحات یا ابعاد مختلف فضا با هم و با انسان پیوندی عمیق دارند؛ به این معنا که در مراحل درک، تولید و بازنمایی فضا، ذهن انسان نقش فعالانه‌ای بازی می‌کند. وجود یا عدم وجود فضایی که صرفاً امتداد اجسام بوده، از ادراک‌کننده کاملاً مجزا باشد اصولاً مسئله مهمی نیست چراکه تمامی موارد مواجهه با فضا در عمل وزنی از ذهنیت را دارد و این ذهنیت خود تحت تأثیر عوامل فرهنگی بوده و در میان افراد یک فرهنگ غالباً مشترک است [این معنا که ذهنیت افراد در بستر جامعه شکل گرفته است]؛ اما هر فردی فضا را به شیوه و با محتوای خاص خود درک می‌کند؛ اشتراکاتی میان افراد، کنش اجتماعی را ممکن کرده و این اشتراکات مبنای ادراک یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ از فضااست.

داستان نسل‌ها از موصل تا لندن…

جنگ جهانی اول در روزهای اتمام خود ماجراهای غریبی برای موصل رقم زد. امپراتوری عثمانی آخرین نفس‌ها را می‌کشید و کشور عراق قرار بود تشکیل شود. در این گریودار تنها هوشمندی می‌توانست منجی تاجری متوسط‌الحال باشد؛ حاج حسین، تاجر باهوش، اموال خود را در کوران حوادث جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی حفظ کرد… اموالی که از تجارت با شامات و ملاکی کسب کرده بود. حاج حسین حدید این کiasبت را در انتخاب همسر و بعدها در تربیت فرزندان هم به کار برده بود. داماد «چلبی»‌ها شدن و ازدواج با دخترعموی والی کم چیزی نبود. حاج حسین نهایتاً والی موصل شد. محمد، پسرش، نور چشمی پدر بود؛ وقتی می‌خواست او را برای ادامه تحصیل به بیروت بفرستد لحتضای درنگ نکرد و بعد هم هزینه کُراف مدرسه اختصاص لندن را به جان خرید. «محمد حدید» بسیار مدیون دوران‌دیشی و تبار پدر بود و البته شاید اندکی هم سخت‌کوشی خودش؛ او اولین فارغ‌التحصیل عراقی مدرسه اقتصاد دانشگاه لندن بود. آن هم با درجه عالی و خاطره‌هایی کلیشه‌ای در ذهن استاید از یک جوانک باهوش عرب… این استاید خود در زمانی کوتاه وزیر و وکیل شدند و عنان امور بریتانیای نیمه اول قرن بیستم را به دست گرفتند؛ ظاهراً شتر سرخ‌موی بخت در روزهایی که کمتر دختری از عراق در لندن درس می‌خواند، بازگشت و درجات ترقی را در کشور تازه‌تأسیس «عراق» به سرعت طی کرد.

زها [در فارسی به اشتباه زحا متداول شده است] وقتی به دنیا آمد که پدر ۴۲ساله‌اش نماینده مجلس و از رجال تأثیرگذار عراق بود؛ زها با به سیاق نام‌گذاری عربی «زها محمد حدید» به آموختن ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و بعد از فارغ‌التحصیلی در حالی که ۲۱ سال بیشتر نداشت راهی لندن شد. روزهایی که کمتر دختری از عراق در لندن درس می‌خواند، بازگشت و «معماری». نوه حاج حسین به هنرآموزی شاخص در مدرسه معماری انجمن معماری لندن و بعدها متروپلیتن بدل شد و آشنایی‌اش با استادی جوان از بلاد هلند [رم کولهاس] مدرس جوان و معمار جوانی نام، زها را که دیگر سه‌وکی در جات ترقی را در کشور تازه‌تأسیس «عراق» به سرعت طی کرد.

زها [در فارسی به اشتباه زحا متداول شده است] وقتی به دنیا آمد که پدر ۴۲ساله‌اش نماینده مجلس و از رجال تأثیرگذار عراق بود؛ زها با به سیاق نام‌گذاری عربی «زها محمد حدید» به آموختن ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و بعد از فارغ‌التحصیلی در حالی که ۲۱ سال بیشتر نداشت راهی لندن شد. روزهایی که کمتر دختری از عراق در لندن درس می‌خواند، بازگشت و «معماری». نوه حاج حسین به هنرآموزی شاخص در مدرسه معماری انجمن معماری لندن و بعدها متروپلیتن بدل شد و آشنایی‌اش با استادی جوان از بلاد هلند [رم کولهاس] مدرس جوان و معمار جوانی نام، زها را که دیگر سه‌وکی در جات ترقی را در کشور تازه‌تأسیس «عراق» به سرعت طی کرد.



استاد بود، به مسیری از شهرت و افتخار سوق داد. نیجل کوتس که هم‌اکنون استاد معماری آکادمی هنرهای زیبای لندن است و هم‌زمان با زها دانشجوی رم کولهاس بود، در مورد آنها می‌گوید: «هر دو بسیار مغرور و متکبر بودند؛ بحث‌های جالبی میانشان در می‌گرفت که سرمنشأ همه این بحث‌ها علاقه وافر به انقلاب در معماری بود. با وجود اخلاق تند زها و محدودیت‌هایی که در ارتباط ایجاد می‌کرد، همه او را دوست داشتند، چون می‌دانستند او آدمی با اندیشه‌ها و اخلاقیات خاص است… اما هیچ وقت فکر نمی‌کردیم که او این‌قدر موفق شود…».

برنده‌تهاست…

زها در دنیای مردان کار می‌کند ولی سققش را با هیچ مردی تقسیم نکرده است؛ زها تا آخر عمر مجرد را انتخاب کرد. نه به سیاق مالوف مردان کسب‌وکار، کلف بازی می‌کند و نه به قاشقرانی و ماهیگیری علاقه دارد. اینها مقولاتی هستند برای دنیای مردان، اما باز هم می‌تواند